

آینه پژوهش

سال سی و پنجم، شماره سوم
مرداد و شهریور ۱۴۱۳
ISSN: 1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۰۷

چند استفتای فقهی-اجتماعی بالارزش از اواخر قرن دوازده هجری از استاد کل وحید بهبهانی | چاپ نوشت (۱۴) | در جستجوی کتابخانه تخصصی مرکزی ادبیات کودک و نوجوان ایران | درباره فرهنگ و زبان قوم لک (۳) | آینه های شکسته (۴) | نوشتگان (۸) | تفتازانی و فلسفه | یادداشتهای متون فارسی و عربی (۱) | رباعیات خیام و مهستی در سفینه اسکندری | کدخدای قاتل | نفحات ریاحین در تعیین تاریخ ظهور در سال ۱۲۰۴ | قلی خان، خان نبود | نگاهی به واژگان لغت فرس چاپ شادروان استاد عباس اقبال | نگاهی به تصحیح جدید سفرنامه ناصر خسرو | حواشی دکتر محمد معین بر دیوان لامعی گرگانی | آیا ابن عربی وارث انبیا است؟ | طومار (۶) | دشواری های برگردان قرآن و لغزش های برخی مترجمان (۲) | حَبط کاتبان ناشی، در خلط متون و حواشی: | پاسخی به نقد دیوان محمود و رکن بکرانی | **نگته، حاشیه، یادداشت**

● نقدی بر مقاله «اعتبارسنجی "النساء نواقص العقول" در نهج البلاغه»

● چند متن تازه یاب درباره سنیان دوازده امامی

مسئول: حضرت علی | مجید حبیبی
مستاد علی | سید علی حسینی | حواشی
مصطفی | دهقان | سید وحید بنظر
میلاد بیگلری | سید محمدعلی
احمد درویش | سید رضا
محمد رسولی | سید علی
رواقی | سید محمد
قاسم | سید علی
عاشقعلای | سید
نظاری | سید
جواد | سید
لی | سید
پوری | وحید عباسی

دشواری‌های برگردان قرآن و لغزش‌های برخی مترجمان (۲)

دکتر نادعلی عاشوری تلوکی

| ۵۱۳-۵۳۴ |

۵۱۳

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

چکیده: هرچند توجه به دشواری‌های برگردان قرآن در همه دوره‌ها کم و بیش مطرح بود و مترجمان با آن بیگانه نبودند؛ ولی چون نقد ترجمه در دوره‌های پیشین رایج نبود، سختی‌های برگردان آیات چندان محور بحث نبود و توجه زیادی به آن نمی‌شد. امروزه که در همه عرصه‌های قرآن نهضت با شکوهی پدید آمد، توجه به دشواری‌های برگردان آیات هم جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد و مطالب بسیاری در باره آن به نگارش درآمد. یکی از این مطالب توجه به لغزشهایی است که برای برخی مترجمان پدید آمد و بعضاً ترجمه‌های نادرستی عرضه کردند. در مقاله حاضر که همانند مقاله قبیل به روش تحلیلی-انتقادی تدوین شد نمونه‌های دیگری مورد بررسی قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، برگردان قرآن، دشواری‌های ترجمه، لغزشهای مترجمان.

The Challenges of Translating the Quran and the Errors of Some Translators (Part 2)

Dr. Nadali Ashoori

Abstract: Although the challenges of translating the Quran have been acknowledged to some extent throughout history, and translators have not been entirely unfamiliar with them, the difficulties of rendering Quranic verses into other languages were not a major focus in earlier periods due to the lack of a tradition of translation critique. However, in recent times, a grand movement in all fields of Quranic studies has emerged, bringing special attention to the challenges of translating Quranic verses, and a significant amount of work has been written on this subject. Among these writings is the focus on the errors made by some translators, which have sometimes resulted in incorrect translations. The present article, like the previous one, has been compiled using an analytical-critical approach and examines additional examples.

Keywords: Holy Quran, Quran Translation, Translation Challenges, Translator Errors.

مقدمه

یکی از موضوعات مورد توجه قرآن، مسئله «زوجیت در جهان آفرینش» است که در آیات متعددی بدان اشاره شده است. افزون بر مطالب متنوع بسیاری که در این باره در برخی تفاسیر آمده است، مقاله‌های مستقلی هم نگاشته شده است و نویسندگان در بسیاری از آنها کوشیده‌اند آیات قرآن را با یافته‌های علوم تطبیق دهند؛ به همین دلیل در موارد متعددی با موفقیت همراه نشده است. اگر از نادرستی برخی مطالبی که در این آثار آمده است، چشم‌پوشی شود، اصل بحث مورد اتفاق است و شواهد علمی هم بر آن گواهی می‌دهد. در مجال کنونی جنبه‌های تفسیری موضوع مورد بحث نیست و واژه (زوجین) تنها از زاویه فن ترجمه بررسی می‌شود که به نظر می‌رسد در بسیاری از ترجمه‌ها برگردان درستی پیدا نکرده است. در ادامه بررسی لغزش‌های پاره‌ای مترجمان در برگردان آیات - که نمونه‌هایی از آن در مقاله پیشین آمد - به نمونه‌های دیگری از جمله آیات مربوط به زوجیت اشاره می‌شود.

۵۱۵

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

۶. «وَأَنَّهٗ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ» (نجم: ۴۵) این گونه در ترجمه انصاری آمده است: «و آنکه او دو نوع نر و ماده را آفرید»؛ همچنین «فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ» (قیامت: ۳۹) بدین ترتیب برگردان شده است: «آنگاه از آن دو زوج مرد و زن پدید آورد». این ترجمه با اندکی اختلاف به ویژه در برگردان «الزَّوْجَيْنِ» در بسیاری از ترجمه‌های دیگر هم آمده است که همه آنها را می‌توان ذیل دو دسته بررسی کرد:

دسته اول که بیشتر مترجمان را در برمی‌گیرد، آیه ۴۵ سوره «نجم» را این گونه ترجمه کرده‌اند:

«و اوست که دو زوج نر و ماده آفرید»؛ «و اوست که دو گونه: نر و ماده بیافرید»؛ «و اینکه او دو نوع نر و ماده را خلق می‌کند»؛ «و اینکه او دو جفت نر و ماده آفرید»؛ «و اوست که دو جفت (دو صنف) نر و ماده را بیافرید»؛ «و اوست که دو صنف نر و ماده را آفریده است»؛ «و آنکه او آفرید دو صنف مذکر و مؤنث را»؛ «و به راستی اوست که دو زوج نر و ماده آفریده است»؛ «و البته، پروردگارت دو صنف نر و ماده را آفریده است»؛ «و خداوند متعال است که دو زوج مذکر و مؤنث را می‌آفریند»؛ «و اوست آنک بیافریند دو جفت نرینه و مادینه»؛ «و اوست که دو زوج نر و ماده را آفریده است»؛ «و اوست که دو صنف از

نرینه و مادینه هر جاننداری را بیافرید؛ «و اوست که جفت های نر و ماده را آفریده است؛ «و اوست که دو زوج مذکر و مؤنث را می آفریند».

بسیاری از مترجمان این گروه در ترجمه آیه ۳۹ «قیامت» نیز چنین آورده اند: «و از او دو زوج به وجود آورد یکی نر و دیگر ماده؛ «و از او دو جفت مرد و زن قرار داد؛ «پس گردانید از او دو جفت را نر و ماده؛ «آن گاه از آن، دو زوج نر و ماده قرار داد؛ «و از او دو زوج مرد و زن آفرید!»؛ «و از آن، دو گونه نر و ماده را پدید آورد؛ «و آنها را دو صنف کرد: نر و ماده؛ «پس آن گاه از او دو صنف نر و ماده پدید آورد؛ «و از آن دو زوج مذکر و مؤنث پدید آورد؛ «پس آن گاه از او دو صنف نر و ماده پدید آورد؛ «و از او دو جفت مذکر و مؤنث قرار داد؛ «آن گاه دو جنس زن و مرد از آن پدید آورد».

اشکال عمده این ترجمه ها، بی توجهی آشکار به تفاوت معنایی «زوجین» در زبان عربی و فارسی است که موجب عرضه برگردانی تحت اللفظی و نادرست شده است. واژه «زوجین» گرچه از نظر دستوری مثناسبت و بر دو چیز دلالت می کند و به همین دلیل در ادامه آیه، دو اسم «الذکر» و «الانثی» بدل آن آمده است، برگردان آن به گونه «دو زوج»، «دو جفت»، «دو صنف» و مانند آن معادل دقیق و درستی نیست؛ زیرا «دو زوج» و «دو جفت» در فارسی بر چهار چیز دلالت می کند، نه دو چیز که مورد نظر آیه است. وقتی گفته می شود «امروز مهمان یک زوج خوشبخت بودم» یا «دیروز یک جفت کفش خریدم»، آن «یک زوج» و این «یک جفت» دقیقاً معادل «زوجین» است؛ به همین علت وقتی در ترجمه کلمه «دو» به کار برده می شود، مفهوم آن را با ابهام مواجه می کند. وقتی خواننده فارسی زبان با این ترجمه ها مواجه می شود: «اوست که دو زوج نر و ماده آفرید»، «او دو نوع نر و ماده را خلق می کند»، «اوست که دو جفت (دو صنف) نر و ماده را بیافرید»، این پرسش برایش مطرح می شود که خداوند از کاربرد «الزوجین»، یک نر و یک ماده، یعنی دو چیز را اراده کرد یا دو جفت نر و ماده را در نظر داشت که در این صورت چهار چیز می شود؟ این دقت معنایی سبب شد مترجمان دسته دوم تلاش کنند آیات پیش گفته را به گونه ای برگردان کنند که این ابهام برطرف شود. چنانچه در ترجمه برگرفته از تفسیر بیان السعاده در برگردان آیه نخست، «اوست که زوج نرینه و مادینه را آفرید» آمده است؛ همچنین آیه دوم «از آن جفتی نرینه و مادینه پدید آورد»، ترجمه شده است. حتی اگر بپذیریم کلمه «زوج» در زبان عربی بر مفرد و مثنی دلالت می کند، آن گونه که در

برخی تفاسیر بیان شده است (تبیان، ج ۶، ص ۲۱۵؛ المیزان، ج ۱۱، ص ۲۹۰) هم بعید است مجاز باشیم در ترجمه قرآن از آن استفاده کنیم؛ زیرا مخاطبِ امروزی از این واژه آن چیزی را نمی‌فهمد که در زبان عربی به کار می‌رود و دقیقاً به همین اعتبار محققان معتقدند مترجم حرفه‌ای باید به فهم مخاطب و زبان ترجمه توجه داشته باشد و پیچیده و مغلق ترجمه نکند تا خواننده دچار ابهام و سردرگمی نشود.

دسته دوم که جمع محدودی از مترجمان را دربر می‌گیرد، چنین برگردان کرده‌اند: «و از آن جفتی نرینه و مادینه پدید آورد»؛ ترجمه‌ای که خرمشاهی، صلواتی و بیان السعاده آورده‌اند. پاینده و کوشا هم «و از او جفتی نر و ماده پدید کرد» ترجمه کرده‌اند. امینیان در ترجمه منظوم خود «یک جفت از آن پدید آورد/ یک ماده پدید کرد و یک نر» برگردان می‌کند و به صراحت عبارت «یک جفت» را آورده است که برداشتی کاملاً درست از زبان فارسی است. دکتر امامی «و از او دو گونه نهاد: نر را و ماده را» ترجمه کرده است و میبیدی «از آن دو هم‌تا آفرید: نر و ماده» آورده است؛ اما کاویانپور «و از وی زوج نر و ماده به وجود می‌آید» ترجمه کرده است که هرچند در بخش نخست درست برگردان شده است، در ادامه دچار اشتباهی شد که در ترجمه‌های دیگر مشاهده نمی‌شود. ایشان «جَعَلَ» را که ماضی و متعدی است، مضارع و لازم برگردان کرده است؛ درحالی‌که حتی اگر مضارع آوردن را قابل توجیه بدانیم، لازم آوردن فعل متعدی به یقین نادرست است. افزون بر این ایراد، اشکال دیگری در برخی ترجمه‌های دسته دوم پدید می‌آید که به معادل‌های «الزوجین» برمی‌گردد و گروهی از مترجمان این دسته برای رهایی از این مشکل، از معادل‌هایی نظیر «دو صنف»، «دو نوع»، «دو گونه»، «دو جنس» و مانند آن بهره برده‌اند که چندان دقیق و رسا نیست.

نمونه دیگر بحث مذکور که شباهت زیادی به آیات فوق دارد و تنها سه بار در قرآن به کار رفته است، ترکیب «زوجین اثنین» است که به دو مورد آن در داستان نوح به گونه «اِحْمَلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ» اشاره شده است. استاد انصاری در ترجمه آیه ۴۰ «هود» این گونه آورده است: «در آن [کشتی] از هر جنسی دو تن [نر و ماده] را بگیر» و آیه ۲۷ «مؤمنون» را به این ترتیب برگردان کرده است: «در آن [کشتی] از هر جنسی دو عدد [نر و ماده] درآور». مورد سوم «وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ» (رعد: ۳) است که ایشان «در آن از هر نوع میوه زوجی دوگانه آفرید» ترجمه کرده است. برگردان این آیه از

جمله لغزش‌های بسیاری از مترجمان است که معادل‌هایی نظیر «دو جفت»، «جفت جفت»، «جفت دوتایی»، «یک جفت دوتایی»، «جفتی دوگانه»، «زوجی دوگانه»، «جفت‌های دوگانه»، «دو زوج»، «دو صنف و دوتا»، «دو جفت دو» و «دو گونه دو» آورده‌اند. این نوع برگردان‌ها که متأسفانه بیش از نود درصد ترجمه‌ها را دربر می‌گیرد، هرگز مفهوم واقعی آیه را برای مخاطب فارسی‌زبان روشن نمی‌کند؛ برای مثال در ترجمه برگرفته از تفسیر صفی‌علیشاه و تفسیر کاشف و نیز ترجمه یاسری «از هر نر و ماده دوتا» آمده که گرچه در بخش اول درست ترجمه شده است، در ادامه ترجمه با آمدن «دوتا» که معادل «اثنین» است، ترجمه‌ای نادرست ارائه شده است؛ زیرا فارسی‌زبانان از این برگردان عدد چهار می‌فهمند نه دوتا. همچنین در ترجمه برگرفته از تفسیر روان جاوید «از هر حیوانی نر و ماده دو فرد» آمده است؛ ترجمه‌ای که پورجوادی، سراج و نوبری هم آورده‌اند. در ترجمه خواجوی «از هر جفتی دوتا» آمده است، در حالی که اگر قرار است این‌گونه ترجمه شود، باید همانند صفارزاده «از هر نوع از حیوانات نر و ماده یک جفت» بیاید یا باید مانند کرمی و صلواتی «از هر حیوانی یک جفت» بیان شود که در برخی تفاسیر هم آمده است. تنها انگشت‌شماری از مترجمان درست برگردان کرده‌اند و «جفت»، «جفتی» و «یک جفت» آورده‌اند؛ از جمله میبدی «از هر چیز که وی را جفت بود نرینه‌ای و مادینه‌ای» برگردان کرده است که همان «جفتی» و «یک جفت» است که دیگران هم آورده‌اند. با دقت در ترجمه‌هایی که بیان شد، مشخص می‌شود ایراد اصلی بسیاری از مترجمان به ترجمه «اثنین» برمی‌گردد که بی‌توجه به نقش دستوری آن، فقط برگردان تحت‌اللفظی را مدنظر قرار داده‌اند و ترجمه‌های نادرستی عرضه کرده‌اند. کلمه «اثنین» به این دلیل که از جنس خود مفرد ندارد، در زمره اسم‌های ملحق به مثنی قرار دارد و افزون بر اینکه همانند اسم‌های دیگر می‌تواند نقش‌های مختلفی بپذیرد - چنان‌که در آیات ۱۴۳ و ۱۴۴ سوره «انعام» معطوف به مفعول و منصوب شده است و در «إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا» (یس: ۱۴) مفعول و منصوب واقع شده است - می‌تواند صفت اسم‌های پیش از خود قرار گیرد؛ نقشی که به اجماع مفسران در «زوجین اثنین» و «الهیین اثنین» پیدا کرده است. بر همین اساس برخی مترجمان «زوجین اثنین» در آیات ۴۰/هود، ۳/رعد و ۲۷/مؤمنون را «جفتی نر و ماده»، «یک جفت نر و ماده» و مانند آن آورده‌اند؛ همان‌طور که «لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ» (نحل: ۵۱) را «دو معبود برمگیرید» و مشابه آن برگردان کرده‌اند. علامه طباطبایی درباره این واژه می‌نویسد: «در بسیاری از موارد کلمه "زوجین" با کلمه "اثنین"

تأکید می‌شود تا دلالت کند بر اینکه مقصود از آن، دو عدد است نه چهار عدد، (چون به يك حساب، دو زوج، چهارتا می‌شود)، هم چنان که در آیه مورد بحث، این تأکید آمده است» (ترجمه المیزان، ج ۱۱، ص ۳۹۶).

اگر «اثنین» به عنوان یک اسم، نقش مستقلی بپذیرد، حذف شدنی نیست و حتماً باید در ترجمه ظاهر شود؛ همان‌گونه که در برگردان آیات ۱۴۳ و ۱۴۴ سوره «انعام» چنین شد؛ اما اگر نقش مستقل نداشت و در زمره توابع قرار گرفت و مانند آیات ۴۰ هود، ۳ رعد و ۲۷ مؤمنون صفت تأکیدی اسم پیش از خود شد، چنین ضرورتی در میان نیست و می‌تواند در ترجمه ظاهر نشود؛ چنان که «الهیین اثنین» را بیشتر مترجمان به گونه‌ای ترجمه کرده‌اند که گویا واژه «اثنین» اصلاً وجود خارجی ندارد. بر این اساس باید از آنان که بی‌توجه به اقتضائات زبان فارسی، رسالت خود را مراعات جانب احتیاط و امانت می‌دانند و می‌کوشند تک‌تک واژه‌های قرآن را در ترجمه ظاهر سازند، پرسید چرا در برگردان «الهیین اثنین» چنین نکردند و «اثنین» را در ترجمه ظاهر نکردند؟ البته در این باره هم متأسفانه برخی مترجمان نادرست ترجمه کرده‌اند؛ از جمله معزی که «گفت خدا نگیرید خدایانی دوگانه» ترجمه کرده است، خرمدل که «خدا گفته است که دو معبود دوگانه برای خود برنگزینید» برگردان کرده است و مصباح‌زاده و اشرفی که «گفت خدا که نگیرید دو اله را که دوتا است» آورده‌اند؛ در حالی که ساده‌ترین پرسش این است که مگر «خدایان یگانه» هم داریم که از «خدایان دوگانه» نهی شده باشد؟! یا مگر «دو معبود یگانه» و «دو اله که یکی باشد» هم داریم که خداوند از پرستش «دو معبود دوگانه» و «دو اله که دوتا هست» نهی کرده باشد؟ حتی نمی‌توان برگردان اسفراینی، صفی‌علیشاه، بلاغی و ثقفی را هم دقیق و درست دانست که به ترتیب این‌گونه ترجمه کرده‌اند: «گفت خدای تعالی: مگیرید دون خدای دو خدای»، «گفت خدا که نگیرید دو خدا را که دوتا است»، «خدا فرمود: دو معبود، دو معبودی که هیچ تناسب ندارند؛ نگیرید» و «گفت خدا نگیرید دوتا را دو خدا».

در ترجمه قرآن قرن دهم و ترجمه قرآن قدس به تصحیح دکتر رواقی هم این‌گونه آمده است: «گفت خدای: فرامگیرید دو خدای دو!» و «گفت خدای: مگیرید دو خدای دو!» و ترجمه قرآن ماهان به تصحیح مدبری این‌گونه برگردان کرده است: «گفت خدای مگیرید دو خدای دو» که افزون بر شباهت‌های بسیار زیاد این سه ترجمه که می‌تواند پرسش برانگیز باشد، همان ایرادهای پیشین نیز مشاهده می‌شود. در حالی که افزون بر

پاره ای ترجمه ها، در بسیاری از تفسیرها هم تعبیری نظیر یک جفت آمده است که نشان می دهد ترجمه های مذکور نادرستند؛ چنانچه در المیزان: «ما به نوح دستور دادیم که از هر جنسی از اجناس، حیوانات، یک جفت یعنی یک نر و یک ماده سوار بر کشتی کن» آمده است (ترجمه المیزان، ج ۱۰، ص ۳۴۰؛ ج ۹، ص ۹۷) و شیخ طوسی هم «فیکون انتصاب اثنین علی انه صفة لزوجین، و ذکر تأکیداً كما قال "إِلَهِينِ اثْنَيْنِ"» آورده است (تبیان، ج ۵، ص ۴۸۵؛ نیز بنگرید: صافی، ج ۲، ص ۴۴۳؛ ثعلبی، ج ۵، ص ۱۶۸؛ بیضاوی، ج ۳، ص ۱۳۴؛ میبدی، ج ۴، ص ۳۸۶؛ التفسیر القرآنی للقرآن، ج ۶، ص ۱۱۴۰). محیی الدین درویش نیز چنین نظری دارد (اعراب القرآن، ج ۴، ص ۳۵۵).

دلیل دیگری که بر نادرستی برگردان «اثنین» در ترجمه های مذکور می توان ارائه کرد، بیان برخی تأکیدهای معنوی دیگر قرآن همچون «کُلُّهُمْ» و «اجمعون» است که در پاره ای آیات نظیر «فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ» (حجر: ۳۰؛ ص: ۷۳) آمده است و بسیاری از مترجمان «همه فرشتگان سجده کردند» یا «فرشتگان همگی سجده نمودند» و مشابه آن ترجمه کرده اند؛ درحالی که اگر چنین واژه هایی در آیه نباشد هم برگردانی غیر از آنچه ذکر شد، ارائه شدنی نیست به ویژه که واژه «الملائکه» جمع محلی به الف و لام است و عمومیت را می رساند و نیازی به دو کلمه بعدی نیست یا دست کم مترجم باید یکی از دو تأکید مذکور را در ترجمه ظاهر کند، درحالی که بیشتر مترجمان چنین نکرده اند. این نکته در برگردان اسم های مثنای مذکور هم صادق است و نباید ترجمه را تا بدین پایه تحت اللفظی عرضه کرد. البته گرایش به ترجمه تحت اللفظی در برگردان «فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ» هم در میان برخی مترجمان مشاهده می شود و گروهی برای مراعات امانت این گونه برگردان کرده اند: «پس همه فرشتگان یکسره سجده کردند»، «پس فرشتگان همگیشان یکسره [برای او] سجده کردند»، «پس فرشتگان همگی شان با همدیگر به سجده در افتادند»، «پس همه فرشتگان بدون استثناء سجده کردند»، «پس فرشتگان همگی با هم و یکسره سجده کردند»، «پس فرشتگان همگی به هیئت دسته جمعی سجده کردند»، «فرشتگان همه آنها، دسته جمعی سجده کردند»، «پس سجده کردند فرشتگان همه آنان جملگی»؛ ولی آوردن معادل هایی نظیر «همه یکجا»، «با همدیگر»، «دسته جمعی»، «به هیئت دسته جمعی»، «با هم و یکسره»، «بدون استثناء» و مانند آن افزوده هایی تفسیری هستند که از برداشت شخصی مترجمان حکایت دارد، نه اینکه معادل های دقیق تأکیدهای معنوی مذکور باشند.

نکته پایانی در ترجمه آیات فوق این است که برخی مترجمان نه تنها در برگردان این آیات یکنواخت عمل نکرده‌اند، بلکه در موارد دیگری که ترکیب فوق به کار نرفته و تنها واژه «اثنین» آمده است نیز دچار تشتت آرا شده‌اند که هرچند در مقایسه با اختلافی که در ترجمه این ترکیب پدید آمد، کمتر است؛ به هر حال وجود دارد و گاهی هم نادرست ترجمه شده است؛ مانند برگردان «مِنَ الضَّأْنِ اَثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعَزِ اَثْنَيْنِ» (انعام: ۱۴۳) که با وجود روشنی زیادی که دارد و کمتر مترجم قرآنی را می‌توان یافت که معنا و مفهوم آیه را درنیابد و چیزی غیر از این بفهمد که «از گوسفندان دوتا و از بزها دوتا» یا «از گوسفند یک نر و یک ماده، و از بز هم یک نر و یک ماده»؛ اما به دلایل مختلفی همچون بی‌دقتی و کم‌توجهی در برگردان قرآن، ساده‌انگاشتن ترجمه آیات، وابستگی‌های شدید لفظی و آگاهی‌نداشتن از ظرفیت‌های زبان فارسی، ترجمه‌هایی ارائه نموده‌اند که بسیار دور از انتظار است؛ از جمله کاویانپور و مکارم «از میش دو جفت و از بز دو جفت» ترجمه کرده‌اند، در حالی که خواننده فارسی زبان از «دو جفت»، چهارتا را می‌فهمد، نه دو تا که شامل یک نر و یک ماده می‌شود. البته چنین برگردانی مخصوص دو ترجمه مذکور نیست و برخی دیگر هم این‌گونه برگردان کردند؛ چنانچه خرمشاهی آیه ۲۳/ مؤمنون را «جفتی دوگانه»، ۳/ رعد را «زوجی دوگانه» و ۴۰/ هود را «دو تا» آورده است. همین اختلاف در برگردان «ثَمَانِيَةَ اَزْوَاجٍ مِّنَ الضَّأْنِ اَثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعَزِ اَثْنَيْنِ قُلْ اَلذَّكَرَيْنِ حَرَمٌ اَمِ الْاُنْثَيْنِ اَمَّا اَسْتَمَلْتَ عَلَيْهِ اَرْحَامُ الْاُنْثَيْنِ نَبِيْنِي يَعْلَمُ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِيْنَ وَمِنَ الْاِِبِلِ اَثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اَثْنَيْنِ» (انعام: ۱۴۳-۱۴۴) هم پدید آمده است. در آیه ۱۴۴/ انعام عبارت «مِنَ الْاِِبِلِ اَثْنَيْنِ وَ مِنْ الْبَقَرِ اَثْنَيْنِ» بیان شده است که همان‌طور که برخی از مترجمان برگردان کرده‌اند. چیزی غیر از این مدنظر نیست که «خداوند از شتر و گاو (و سایر حیوانات) یک نر و یک ماده آفرید» یا «از شتر یک نر و یک ماده و از گاو هم یک نر و یک ماده آفرید». یا آن‌گونه که معزی و برخی دیگر آورده‌اند «از شتر دوتا و از گاو دوتا»؛ اما در اینجا هم حتی بین مترجمانی که آیه ۱۴۳/ انعام را درست برگردان کرده‌اند، با ترجمه‌هایی متفاوت و گاهی نادرست مواجه می‌شویم که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- مجتبی‌وی و ارفع: «از شتر دو نر و ماده و از گاو دو نر و ماده قرار دادیم». این ترجمه می‌تواند درست باشد، در صورتی که افزوده تفسیری «نر و ماده» همانند ترجمه ابراهیمی و یزدی درون پرانتز قرار گیرد «و از شتر دو تا (نر و ماده) و از گاو [نیز] دو تا (نر و ماده) پدید آورد» برگردان شود.

– مشکینی: «از شتر دو فرد یا دو جفت و از گاو دو فرد یا دو جفت». کاویانپور: «از شتر دو زوج و از گاو دو زوج». نادرستی این ترجمه ها در این است که خواننده فارسی زبان از «دو فرد»، «دو جفت» و «دو زوج»، عدد چهار را می فهمد، در حالی که تنها یک نر و یک ماده مراد است. ضمن اینکه روشن نیست آوردن «دو فرد» یا «دو جفت» برای چیست؟ تردید یا تخییر در آفرینش «دو فرد» یا «دو جفت» که مترجم در برگردان خود ذکر کرده است، چه معنایی می تواند داشته باشد؟ ترجمه در حد امکان باید بدون پیچیدگی و ابهام باشد تا خواننده در فهم آن دچار مشکل نشود؛ در حالی که برگردان های فوق از چنین ویژگی برخوردار نیستند.

– قرائتی: «از شتر دو زوج (نر و ماده) و از گاو دو زوج (نر و ماده) را برای شما حلال کرده است»؛ این ترجمه هر چند با توضیح داخل پرانتز گویاست، ترکیب «دو زوج» هرگز مفهوم مورد نظر مترجم را نمی رساند؛ حتی اگر بپذیریم واژه زوج در زبان عربی، بر مفرد و مثنا دلالت می کند هم خواننده فارسی زبان از آن چیزی جز عدد چهار را استنباط نمی کند و باید «یک جفت» و «یک زوج» بیاید؛ چنانچه پورجوادی «از شتر یک زوج و از گاو یک زوج» ترجمه کرده است. مشابه ترجمه قرائتی، برگردان حجتی و آدینه وند است که این گونه ترجمه کرده اند: «از شتر دو زوج و از گاو هم دو زوج [برای شما آفرید]». فیض الاسلام نیز آورده است: «از شتر دو جفت (یکی نر و یکی ماده که هر یک زوج و جفت دیگری است) و از گاو دو جفت» و در ترجمه برگرفته از تفسیر عاملی «و از شتر دو جفت است [نر و ماده] و گاو هم دو جفت [نر و ماده] است» برگردان شده است که دقیق و درست نیستند.

– نویری در ترجمه تفسیرگونه خود «از شتر هم دو جفت یکی نر و دیگر ماده خداوند تعالی برای شما خلق نموده است و گاو هم دو جفت نر و ماده خلق شده» آورده است که هم در مسئله «دو جفت» دچار لغزش است و هم فعل جمله را مجهول و «خلق شده» آورده که ارتباطی با ظاهر آیه ندارد. همچنین به نظر نمی رسد معادل هایی نظیر «رقم»، «صنف»، «قسم» و مانند آن برای «اثنین» و برگردان آیه به صورت «از شتر دو رقم و از گاو دو رقم»، «از شتر دو صنف و از گاو دو صنف»، «از شتر دو قسم و از گاو دو قسم» که در ترجمه استادولی، دهلوی، پورجوادی و انصاری آمده است هم مشکل را برطرف کرده باشد. در زبان فارسی از «رأس» برای شمارش گاو و گوسفند و «نفر» برای شتر به کار

می‌رود و آوردن واحدهای شمارش دیگری مانند «رقم» و «صنف» دقیق نیست. ممکن است گفته شود در این آیه آفرینش نوع حیوانات مذکور مدنظر است و نه شمارش تا لازم باشد از واژه‌های «رأس» و «نفر» استفاده شود. در پاسخ باید گفت در این صورت بهتر است همانند دیگران، «جفت» به کار رود که درست‌تر و دقیق‌تر است. به نظر می‌رسد ترجمه درست «از شتر يك جفت و از گاو يك جفت» باشد که مکارم آورده است و در ترجمه برگرفته از تفسیر آسان و اسفراینی هم «از شتر جفتی نر و ماده، و از گاو جفتی نر و ماده» آمده است. فولادوند، رضایی و ترجمه مرکز فرهنگ و معارف قرآن «از شتر دو و از گاو دو» آورده‌اند که می‌تواند درست و بی‌اشکال باشد.

۷. «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْعَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ» (بقره: ۲۱۰) را انصاری این‌گونه ترجمه کرده است: «آیا جز در این انتظارند که خدا در سایبان‌هایی از ابر [های سپید] به سوی آنان بیاید و [نیز] فرشتگان [چنین کنند] و کار یکسره شود؟». برخی مترجمان دیگر هم به همین صورت یا مشابه آن آورده‌اند که به نظر نمی‌رسد چندان مفهوم و روشن باشد.

۵۲۳

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

«آیا جز در این انتظارند که خدا در سایبان‌هایی از ابر [های سپید] به سوی آنان بیاید و [نیز] فرشتگان» چه معنایی دارد؟ آیا بدین معناست که خدا و فرشتگان در سایبان‌هایی از ابرهای سپید می‌آیند؛ ولی آنها نباید انتظاری غیر از این داشته باشند؟ آیا آمدن خدا و فرشتگان در سایبان‌هایی از ابرهای سپید - حتی برای عذاب آنها که در برخی تفاسیر آمده - با عقل و نقل جور در می‌آید؟ آنچه موجب اشتباه شده است، توجه به ظاهر «هَلْ» در آغاز آیه است که بسیاری از مترجمان همانند همیشه «آیا» ترجمه کرده‌اند؛ در حالی که حرف پرسش در این آیه در معنای غیر حقیقی خود، یعنی انکار و توییح به کار رفته است و ادات حصر پس از آن هم نشان می‌دهد که باید معادل حرف نفی «ما» در نظر گرفته شود و مانند آیاتی نظیر «مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً» (یس: ۴۹) به شمار آید و «جز این نیست...» و مانند آن برگردان شود. این نکته‌ای است که افزون بر پاره‌ای ترجمه‌ها،^۱ در

۱. چنانچه استاد انصاری در آیات دیگری که مشابه این آیه بود، منفی ترجمه کرده است و مثلاً «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرٌ رَبِّكَ» (نحل: ۳۳) را این‌گونه ترجمه کرده است: «جز آنکه فرشتگان [برای ستاندن روحشان] به سوی آنان آیند یا فرمان پروردگارت فرارسد، [چیزی دیگر را] انتظار نمی‌کشند؛ همچنین آیه «هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ» (انعام: ۱۵۸) را «انتظاری ندارند جز آنکه

برخی کتاب های اعراب القرآن نیز ذکر شده است (درویش، ج ۱، ص ۳۰۸) و در بعضی تفاسیر هم آمده است؛ چنانچه عبدالکریم خطیب در التفسیر القرآنی للقرآن می نویسد: «الاستفهام هنا إنکاری، یجری مجری النفی، ای ما یظنون إلا أن یروا بأعینهم الیوم الموعود، ای یوم القیامه» (خطیب، ج ۱، ص ۲۳۱). در ارشاد الاذهان هم چنین آمده است: «هَلْ یَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ یَأْتِیَهُمُ اللَّهُ» الاستفهام معناه التّنفی بمقتضی الاستثناء، ای لا ینتظر التارکون للدخول فی الإسلام إلا أن ینزل علیهم عذاب الله فی ظُلُلٍ مِنَ الْعَمَامِ وهی السحاب الأبیض المتراکم کالمظله، و الغیوم التی یظنون بها الرحمه وَ الْمَلَائِكَةُ» (سبزواری، ص ۳۷؛ نیز بنگرید: کنز الدقائق، ج ۲، ص ۳۱۲؛ قرطبی، ج ۳، ص ۲۵؛ بیضاوی، ج ۱، ص ۱۳۴؛ روح المعانی، ج ۱، ص ۴۹۳؛ التفسیر المنیر، ج ۲، ص ۲۳۶؛ روح البیان، ج ۱، ص ۳۲۵؛ الفواتح الالهیه، ج ۱، ص ۷۲). در مجموع شاید ترجمه های عرضه شده در ذیل این آیه را بتوان در پنج دسته زیر تقسیم بندی کرد:

الف) بسیاری از ترجمه های معاصر که به دلیل گرایش تحت اللفظی و برگردان تطبیقی مانند انصاری برگردان کرده اند:

- ابراهیمی: «آیا [منکران] جز این را انتظار می کشند که خدا و فرشتگان در میان سایبان هایی از ابر به سوی شان بیایند و کار پایان یابد؟!».

- الهی قمشه ای: «آیا کافران جز این انتظار دارند که خدا با ملائکه در پرده های ابر بر آنها در آید و حکم (قهر خدا به کیفر کافران) فرا رسد؟».

- استادولی: «آیا [کافران] جز این انتظار می برند که خدا و فرشتگان در سایه هایی از ابر بر آنان درآیند، و کار (عذاب آنان) یکسره شود؟».

فرشتگان [به سوی] آنان بیایند، یا [حکم] پروردگارت در میان آید یا برخی از نشانه های پروردگارت بیاید» برگردان کرده است. البته این حرف در «هَلْ یَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ» (زخرف: ۶۶؛ محمد: ۱۸) همان حرف پرسش و «آیا جز چشم به راه قیامت هستند؟» ترجمه شده است؛ در حالی که به نظر می رسد این دو آیه هم باید همانند «مَا یَنْظُرُونَ إِلَّا صَبْحَةً وَآجِدَةً» (یس: ۴۹) ترجمه شود که «جز چشم به راه بانگی مرگبار نیستند» برگردان شده است؛ همچنین باید مانند «هل ینظرون الا تأویله» (اعراف: ۵۳) «جز در انتظار تأویلش نیستند» ترجمه شود. استاد خرمشاهی آیه ۵۳/اعراف را «فقط منتظر سرانجام آن هستند» آورده است و آیات ۶۶/زخرف و ۱۸/محمد را «انتظار ندارند مگر قیامت را» ترجمه کرده است.

- صادقی: «آیا انتظار و نگرش اینان جز این است که خدا در (زیر) سایبان‌هایی از ابر سویشان بیاید، و فرشتگان (هم بیایند)؛ و کار (داوری) یکسره تمام شود؟».

- برزی: «آیا جز این انتظار دارند که خداوند و فرشتگان در سایبان‌هایی از ابر به سوی آنان بیایند؟! ولی کار [مشیت حق به شیوه‌ای دیگر] گزارده شده است».

ب) دسته دوم که تعداد کمتری را دربر می‌گیرد، «هل» را حرف نفی و «الا» را ادات استثنا در نظر گرفته‌اند:

- خواجوی: «تکذیب‌کنندگان [جز آنکه خداوند در سایه‌بان‌هایی از ابر با فرشتگان بیایندشان و کار تمام شود انتظاری ندارند]».

- دهلوی: «آیا انتظار نمی‌کنند اهل عصیان مگر آن را که بیاید به ایشان خدا، یعنی بیاید عذاب او در سایبان‌ها از ابر و بیایند فرشتگان».

- ترجمه برگرفته از تفسیر احسن الحدیث: «اینان [منتظر نیستند مگر آن را که عذاب خدا و ملائکه در توده‌های ابر به سوی آنها بیاید و کار تمام شود]».

ج) دسته سوم بدون در نظر گرفتن «الا»، برگردانی پرسشی ارائه کرده‌اند:

- ارفع: «آیا آنها انتظار دارند که خداوند و فرشتگان در سایه ابرها به سوی آنها بیایند و کار یکسره شود؟!».

- آیتی: «آیا اینان منتظر آن هستند که خدا با فرشتگان در زیر سایبانی از ابر نزدشان بیاید و کار یکسره شود؟».

- آیت الهی: «آیا انتظار این را دارند که خدا و ملائکه بر ابرها سوار شده نزد آنان بیایند و تکلیفشان یکسره شود؟».

د) دسته چهارم به دلیل گرایش‌های شدید تحت‌اللفظی، برگردانی نارسا و نامفهوم ارائه کرده‌اند:^۱

۱. نقل قول از تمام ترجمه‌ها دقیقاً به همان صورتی است که در «پایگاه جامع قرآن» نقل شده است و چنانچه ملاحظه می‌شود در هیچ‌یک از ترجمه‌های این قسمت نشان پرسش در پایان ترجمه نیامده است.

- صفی علیشاه: «آیا انتظار می‌برند مگر اینکه بیاید ایشان را خدا در سایبان‌ها از ابر و فرشتگان و حکم شود کار».

- اشرفی: «آیا انتظار می‌برند مگر آنکه آید ایشان را عذاب خدا در سایبان‌ها از ابر و فرشتگان و گذارده شود کار».

- مصباح‌زاده: «آیا انتظار می‌برند مگر آنکه آید ایشان را عذاب خدا در سایبان‌ها از ابر و فرشتگان و گذارده شود کار»^۱.

- ریاضی: «آیا کافران با این ادله روشن ایمان نمی‌آورند و انتظار آن دارند که خدا با ملائکه در پرده‌های ابر بر آنها نازل شود».

ه) به صورت تفسیری ترجمه کرده‌اند، ولی میزان افزوده‌های تفسیری آنها متفاوت است:

- یاسری: «آیا نگرانند و منتظرند یهود که ایمان نیاوردند مگر اینکه کارهای محالی واقع شود؛ و توقع دارند که بیاید خدا نزد آنها در سایه ابرها و بیاید آنها را ملائکه».

- انصاریان: «آیا [اهل لغزش و پیروان شیطان] جز این را انتظار دارند که [عذاب] خدا و فرشتگان [مأمور عذاب] در سایبان‌هایی از ابر به سوی آنان آیند و کار نابودی آنان تمام شود؟».

- موسوی همدانی: «راستی حرف حسابی اینان چیست؛ آیا انتظار این را دارند که خدا و ملائکه بر ابرها سوار شده نزد آنان بیایند (یعنی عذاب خدا به وسیله ابرهای ویرانگر بیاید) و تکلیفشان یکسره شود؟».

- مکارم: «آیا (پیروان فرمان شیطان، پس از این همه نشانه‌ها و برنامه‌های روشن) انتظار دارند که خداوند و فرشتگان، در سایه‌هایی از ابرها به سوی آنان بیایند (و دلایل تازه‌ای در اختیارشان بگذارند؟! با اینکه چنین چیزی محال است!) و همه چیز انجام شده».

- فیض الاسلام: «(باز کفار و منافقین را تهدید نموده می‌فرماید:) چشم به راه نیستند مگر آنکه عذاب خدا در سایه‌های ابر سفید (که گمان رحمت و مهربانی و خیر و نیکویی در

۱. دو ترجمه اخیر دقیقاً عین هم و کاملاً یکی هستند؛ آن هم نه فقط در این آیه یا برخی آیات، بلکه در کل ترجمه و در تمامی آیات. این نکته نیازمند بحث و بررسی‌های بیشتری است که امیدوارم محققان صاحب صلاحیت بدان بپردازند.

آنها است) و فرشتگان (که واسطه در عذاب و شکنجه هستند) بر آنان بیایند (آن‌گاه از کفر و ناگرویدن دست بردارند) درحالی‌که کار انجام شده است (و آن هنگام نجات و رهایی برای ایشان نیست)».

برخی مترجمان ترجمه‌های دیگری آورده‌اند؛ مانند پاینده که «گویی [یهودان] انتظار دارند که خدا در سایبان‌های ابر با فرشتگان بیایدشان و کار یکسره شود» برگردان کرده است؛ همچنین رهنما آورده است: «مگر غیر از این انتظار دارند که خدا و فرشتگان در سایه‌هایی از ابر [سپید] به سویشان آیند و کار به پایان آید». حلبی، فارسی و فولادوند هم مشابه آن آورده‌اند؛ همچنین خرمشاهی «گویی» جز این انتظار ندارند که خدا و فرشتگان در سایبان‌های ابر به دید آنان بیایند، و کار انجام یابد» برگردان کرده است؛ نیز ایشان آیات ۱۵۸/انعام و ۳۳/نحل را که شباهت بسیاری با این آیه دارد، «[اینان] انتظاری ندارند جز اینکه فرشتگان به سویشان بیایند یا پروردگارت بیاید، یا بعضی از آیات پروردگارت ظاهر گردد» ترجمه کرده است و «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ» (فاطر: ۴۳) را این‌گونه برگردان نموده است: «آیا جز سنت پیشینیان را انتظار می‌کشند؟».

۵۲۷

آینه پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

۸. «وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا...» (اعراف: ۱۴۹) را انصاری «و چون پشیمان شدند و دیدند که به راستی گمراه شده‌اند گفتند: ...» برگردان کرده است و چنان‌که ملاحظه می‌شود «وَلَمَّا سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ» تعبیری کنایی در نظر گرفته شده است و به درستی «و چون پشیمان شدند» برگردان گردیده است؛ ترجمه‌ای که بسیاری از مترجمان دیگر هم آورده‌اند. اما گروهی دیگری توجه به مفهوم کنایی، ترجمه‌های نادرستی ارائه کرده‌اند؛ نظیر «و چون افکنده شد در دست‌هایشان»، «وقتی گوساله در دست‌های آنان افتاد»، «و چون (جریان شومشان) در برابرشان آشکارا سقوط داده شد»، «و هنگامی که (ندامت گوساله‌پرستی) در دستشان ماند»، «و هنگامی که حقیقت به دستشان افتاد»، «و چون حقیقت به دستشان افتاد»، «و چون سقوط خود را به دست خود دیدند»، «و هنگامی که حقایق برایشان روشن شد»، «و آن‌گاه که [رهاورد گوساله‌پرستی] به دستشان افتاد»، «و هنگامی که افتاد در دست ایشان»، «و هنگامی که حقیقت به دستشان افتاد».

برخی دیگر هم اگرچه «پشیمان شدن» را آورده‌اند، آن را افزوده تفسیری در نظر گرفته و داخل پرانتز قرار داده‌اند؛ مانند قرائتی که «و چون (ارزش گوساله‌پرستی) در نزدشان سقوط کرد (و پشیمان شدند)» ترجمه کرده است یا رضایی که «و هنگامی که (حقیقت

به دستشان افتاد (و پشیمان شدند)» آورده است؛ همچنین سراج و رسولی که «و آن دم که افکنده شد در دست های ایشان (پشیمان شدند)» برگردان نموده اند؛ در حالی که «وَلَمَّا سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ» افزوده تفسیری نیست که نیازمند پُرانتز یا قلاب باشد، بلکه تعبیری کنایی و دقیقاً به معنای «پشیمانی» است.

۹. «الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (عنکبوت: ۵۸) را انصاری «کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، قطعاً آنان را از بهشت به غرفه هایی فرود آوریم که از فرودستش جویباران روان است» برگردان نموده است؛ در حالی که این ترجمه در بخش پایانی ابهام دارد و چنین القا می کند که گویا بهشت در جایی است و غرفه ها هم در جایی دیگر و خداوند گاهی برخی بهشتیان را برای اموری خاص از بهشت به غرفه هایی می برد که از فرودستش جویبارها روان است؛ برداشت و امری که نادرست است و با آیات فراوان دیگر سازگار نیست. افزون بر این، «لَنُبَوِّئَنَّهُمْ» نیز به «فرود آوریم» برگردان شده است؛ در حالی که این فعل غالباً برای چیزهایی است که از بالا به پایین می آید. البته دیگران هم چنین ترجمه هایی آورده اند و معنای مذکور هم در این فعل نهفته است؛ ولی بیشترین کاربرد این فعل در مفاهیمی همچون «جای دادن» و «منزل دادن» است و آنچه از این آیه به ذهن می رسد نیز همین معناست. شاید برگردان این آیه تحت تأثیر ترجمه دهلوی باشد که «آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند البته فرودآوریم ایشان را از بهشت به محل های بلند، می رود زیر آن جوی ها» برگردان کرده است. از ترجمه های موجود هم سه مترجم دیگر همانند انصاری برگردان کرده اند؛ نسفی «لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا؛ هرآینه فرود آوریم شان به عرش های بهشت جاویدان» ترجمه کرده است؛ رهنما «آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند، البته آنها را از بهشت در غرفه هایی درآوریم که از زیر آن نهرها جاری است» برگردان نموده است؛ همچنین قرشی بنابی که «آنان که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند در غرفه هایی از بهشت نازلشان می کنیم که از زیر آنها نهرها روان است» ترجمه کرده است. چنانچه ملاحظه می شود این ترجمه ها غیر مستقیم همان چیزی را به ذهن منتقل می کنند که ترجمه نخست به طور روشن تری انتقال می داد. به نظر می رسد در آیه تقدیم و تأخیر رخ داده است و «غرفاً» مفعول دوم «لَنُبَوِّئَنَّهُمْ» است و در اصل باید «لَنُبَوِّئَنَّهُمْ غُرَفًا مِنَ الْجَنَّةِ» باشد. در این حالت برگردان درست، چنان که در برخی ترجمه ها آمده است: «قطعاً کسانی را که ایمان آوردند و کارهای

شایسته کردند، در غرفه‌هایی بهشتی/ غرفه‌هایی از بهشت جای می‌دهیم که از فرودستش جویباران روان است...»، می‌شود.

نکته آخر اینکه ترجمه «غُرْفًا» به «غرفه‌هایی» که در محاورات روزمره معنای خاصی دارد، چندان مناسب نیست و بهتر است همانند برخی ترجمه‌ها، «قصرهایی» یا «کاخ‌هایی» بیاید؛ همان‌طور که کوشا آورده است: «و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، حتماً آنان را در کاخ‌هایی از بهشت جای می‌دهیم که از دامن آنها جوی‌ها روان است». حتی می‌توان با اندکی عدول از لفظ به نفع معنا، تفسیری و مفهومی ترجمه نمود و «مؤمنان نیکوکار را در قصرهای باشکوه بهشتی که از زیر درختانش جویبارها روان است، جای می‌دهیم. آنها در بهشت جاودانه‌اند» آورد.

۱۰. هرچند در بررسی نمونه‌های پیشین از ترجمه استاد مسعود انصاری خوشابر نیز استفاده شد؛ در آخرین نمونه از لغزش‌های برخی مترجمان، اختصاصی به این ترجمه پرداخته می‌شود تا با تکیه بر حسن خلق جناب استاد و سعه صدر ایشان، موارد دیگری مورد بررسی قرار می‌گیرد تا اگر درست تشخیص داده شد، در چاپ‌های آتی به کار آید. جناب استاد در پایان ترجمه خود فرمودند: «بارزترین ویژگی ترجمه بنده پایبندی به نحو قرآنی و... نوع این ترجمه تطبیقی است» (انصاری، ۱۳۹۶، ص ۶۱۴). به باور نگارنده حتی اگر چنین صراحتی در بیان ایشان نبود، بررسی ترجمه جز این را نشان نمی‌داد؛ ضمن اینکه شاید از این هم فراتر رفته بتوان چنین گفت که ترجمه جناب استاد نه فقط «تطبیقی»، بلکه «به غایت تطبیقی» است؛ به گونه‌ای که در دوران معاصر نمی‌توان نظیری برای آن پیدا کرد. نکته قابل توجه دیگر این است که با وجود تلاش مترجم در ارائه ترجمه‌ای کاملاً تطبیقی، در مواردی به اجبار پاره‌ای آیات را مفهومی ترجمه کرده است و میزان ترجمه‌های مفهومی به اندازه‌ای است که نمی‌توان آنها را از موارد استثنایی برشمرد،^۱ بلکه برعکس وجود این میزان ترجمه‌های مفهومی، به طور ضمنی می‌فهماند ترجمه تطبیقی تمامی آیات - آن‌گونه که

۱. برای نمونه «الأكلا من فوقهم و من تحت أرجلهم» (مائده: ۶۶) کاملاً مفهومی و «از برکت‌های آسمانی و زمینی [خداوند] بهره‌مند می‌شدند» ترجمه شده است. از این نمونه‌ها که در موارد متعددی در ترجمه جناب استاد مشاهده می‌شود، نشان می‌دهد این میزان عدول از برگردان تطبیقی و پذیرش عملی ترجمه مفهومی مجوز آن است که در دیگر موارد هم می‌توان این‌گونه برگردان کرد و اصرار بیش از حد برخی مترجمان در ارائه ترجمه‌هایی کاملاً تطبیقی با واقعیت سازگاری ندارد.

برخی مترجمان در پی انجام آن هستند. امکان‌پذیر نیست و اگرچه می‌توان بخش‌هایی از قرآن را به گونه‌ای تطبیقی برگردان کرد که به رسایی، شیوایی و مفهوم‌سازی ترجمه آسیب نرساند، به یقین همه قرآن را نمی‌توان تطبیقی ترجمه کرد که به زیبایی و شیوایی ترجمه آسیب نرسد. بی‌توجهی به ترجمه مفهومی و اصرار زیاد بر روش تطبیقی که نتیجه طبیعی آن وابستگی شدید لفظی است، موجب می‌شود ترجمه از زیبایی و شیوایی دور شود و در رسایی و مفهوم‌سازی با مشکل مواجه گردد. برخی نمونه‌های این بحث عبارت‌اند از:

الف) «وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ» (نساء: ۱۰۱) «و چون در زمین سفر کنید» ترجمه شده است^۱ و «إِنَّ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ» (مائده: ۱۰۶) به «اگر در حال سفر در زمین باشید» برگردان شده است؛ در حالی که «ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ» یک ترکیب است و مراد از آن به سفر رفتن است نه اینکه تک‌تک الفاظ آیه مراد باشد. اگر مترجم بی‌توجه به این نکته به ترجمه بپردازد، باید پاسخ دهد اگر فردی «در حال سفر در زمین» نبود و مثلاً در هوا یا فضا یا سوار بر کشتی در دریا «در حال سفر بود» یا حتی مانند برخی مشاغل در زیرزمین و در معادن یا در دل دریا و درون زیردریایی‌ها به کار مشغول بود، چنانچه ملوانان و خدمه کشتی‌های بزرگ باری و نفتکش‌های غول‌پیکر و ناوهای جنگی مجبورند ماه‌ها سوار بر کشتی در دریاها و اقیانوس‌ها در حال سفر باشند، تکلیف چیست و وصیت آنان بر اساس آیه ۱۰۶ «مائده» چه می‌شود؟ مگر «ضربتم» به معنای «سفر» است که «فی الارض» جداگانه و «در زمین» ترجمه شود؟ همین ایراد در برگردان «إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ» (آل عمران: ۱۵۴) نیز وجود دارد که «چون در زمین سفر کنند [و بمیرند]» ترجمه شده است. اگر در دریا و در فضا جان سپردند، آن‌گونه که در جنگ‌ها و نبردهای امروزی ممکن است رخ دهد، تکلیف چیست؟^۲

۵۳۰

آیة پژوهش | ۲۰۷
سال ۳۵ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۳

۱. به نظر می‌رسد استاد انصاری در این برگردان تحت تأثیر ترجمه دهلوی باشد که به شدت خود را بدان علاقه مند و وابسته می‌داند. دهلوی چنین ترجمه کرده است: «و چون سفر کنید در زمین».
۲. آیه مذکور درباره جنگ و نبرد است. ضمناً «اذا ضربتم فی الارض» در دو آیه فوق غیر از «اذا ضربتم فی سبیل الله» در سوره نساء (۹۴) است که به درستی «چون در راه خدا سفر کنید» ترجمه شده است. سفر در این آیه جنبه معنوی دارد و مقدس بودن آن به این دلیل است که در مسیر شرک و کفر نباشد و تنها برای رضای خدا باشد. اما در آیات مذکور صرف سفر مدنظر است که مرز نمی‌شناسد؛ در زمین باشد یا در هوا، در دریا باشد یا در زیردریا. «و آخرون یضربون فی الارض» (مزمّل: ۲۰) هم «و دیگرانی که در زمین سفر می‌کنند» ترجمه شده است.

در برگردان ۱۰۱/ نساء نیز چنین تفاوت آشکاری محسوس است و مترجمان را می‌توان در این زمینه به دو دسته تقسیم کرد؛ گروهی مانند الهی قمشه‌ای، مکارم، گرمارودی، ملکی، کاویانپور، صفوی، ارفع، صاحبی، بهرامپور، حداد عادل و ترجمه مرکز فرهنگ و معارف قرآن، به درستی «سفر» و «مسافت» آورده‌اند و «هنگامی که سفر می‌کنید/ می‌روید/ کردید» و مشابه آن برگردان کرده‌اند.^۱ اما جمعی دیگر مانند انصاریان، مجتبی‌ی، رضایی، مشکینی، یزدی، ابراهیمی، فولادوند، فارسی، فیض الاسلام، اشرفی و قرائتی همانند انصاری «در زمین در حال سفر بودید» برگردان نموده‌اند؛ در حالی که بسیاری از مترجمان همین دسته در برگردان آیه ۱۰۶/ مائده برخلاف نظر خود در آیه ۱۰۱/ نساء عمل کرده‌اند و همانند دسته اول «اگر در مسافت بودید» یا «اگر به سفر رفتید» آورده‌اند. ولی دیگران نظیر فیض الاسلام، رضایی، سراج، شعرانی، رواقی و یاسری، همچنین ترجمه‌های برگرفته از تفسیر طبری، نسفی، صفی، آسان و حجة التفاسیر «اگر شما در زمین مسافت کردید» یا مشابه آن آورده‌اند.

ب) «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ» (اعراف: ۱۷۲). این آیه را این‌گونه ترجمه کرده‌اند: «آیا من پروردگارتان نیستم؟ گفتند: چرا [هستی]. گواهی دادیم. که [مبادا] روز قیامت بگویند، ما از این [حقیقت] بی‌خبر بودیم». ^۲ این آیه از موارد روشنی است که اگر افزوده تفسیری درون قلاب حذف شود، ترجمه کاملاً برخلاف معنای اصلی آیه خواهد شد. آیه می‌خواهد بفرماید: «مبادا در قیامت چنین و چنان بگویند»؛ در حالی که آوردن قلاب، ترجمه را به گونه‌ای درآورده است که اگر «مبادا» حذف شود، «روز قیامت بگویند، ما از این بی‌خبر بودیم» باقی می‌ماند که نادرست است. این شیوه سخن گفتن، یک سبک ویژه بیانی است که همانند ده‌ها مورد دیگر «مبادا» را در دل خود دارد و نباید آن را افزوده تفسیری در نظر گرفت و درون قلاب قرار داد؛ درست مانند اینکه مترجمی بخواهد «را» که نشانه مفعول بی‌واسطه است را داخل قلاب قرار دهد. آنچه اشاره شد به آیه مذکور منحصر نمی‌شود و در موارد دیگری هم رخ داده است؛ مانند آیه ۱۵۶/ انعام که «[تا مبادا] آنکه بگویند» ترجمه شده است و در آیات ۱۵۷/ انعام و ۱۷۲/ اعراف هم این‌گونه برگردان شده است: «یا [مبادا] بگویند». جالب آنکه در آیه ۱۹/ مائده به درستی «تا نگویند»، یعنی «مبادا که بگویند» برگردان شده است. افزون بر این در آیه «قَالَ يُنوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ

۱. حتی در ترجمه تحت‌اللفظی معزی هم «و هرگاه سفر کنید» آمده است.

۲. شکل نگارشی و ویرایشی تمام ترجمه‌ها دقیقاً به همان صورتی است که در ترجمه جناب استاد آمد.

إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْئَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ» (هود: ۴۶) این گونه ترجمه شده است: «گفت: ای نوح، او از خاندانت نیست، به راستی او [مرتکب] کار ناشایست است، پس چیزی را از من نخواه که به آن علم نداری من به تو پند می‌دهم که [مبادا] از نادانان باشی». در حالی که «فَمَا ءَامَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّن قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّن فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَنْ يَفْتِنَهُمْ» (یونس: ۸۳) به «پس [آنان] به موسی ایمان نیاوردند مگر گروهی از قومش [آن هم] با ترس از فرعون و سرانشان که مبادا آنان را به بلا افکند» آمده است. افزون بر دوگانگی محسوس ترجمه‌های مذکور، نیازمندی ترجمه جناب استاد به بازنگری، از این منظر هم دارای اهمیت است که تقریباً تمامی مترجمانی که در برگردان این آیه «مبادا» آورده‌اند، به درستی آن را بدون پرائتیز و قلاب ذکر کرده‌اند.

ج) «قَالُوا إِنْ يَشْرِقْ فَقَدْ سَرِقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَبَهَا يَوْسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يَبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرٌّ مَكَانًا» (یوسف: ۷۷) به این ترتیب ترجمه شده است: «گفتند: اگر [او] دزدی کرده باشد [بعید نیست] برادری [هم] داشت که پیش از این دزدی کرد. پس یوسف آن [سخن] را در دل خویش نهان داشت و آن را برایشان آشکار نکرد، [در دل خویش] گفت: شما بدمنصب‌ترید». اینکه یوسف در دل خویش می‌گوید «شما بدمنصب‌ترید»، اعتراف ضمنی به دزد بودن او و تأیید همان حرفی است که برادرانش گفتند که اگر بنیامین دزدی کرد، خیلی دور از انتظار نیست؛ زیرا برادری به نام یوسف داشت که او هم دزد بود. در این صورت آیا غیر از اعتراف به این مطلب است که (نعوذ بالله) حرف شما درست است و من هم دزدی کردم و بدسابقه‌ام؛ ولی سابقه شما از من بدتر است؟! متأسفانه در این برگردان، مترجم تنها نیست و برخی دیگر نیز گرفتار چنین لغزشی شده‌اند.^۱ بنابراین بهتر

۱. این آیه در ترجمه دکتر یثربی چنین برگردان شده است: «برادران گفتند: اگر او دزدی کرده، برادری هم داشت که پیش از این دزدی کرده بود. یوسف این راز را در دل نهفت و چیزی به آنان نگفت جز اینکه: شما جایگاه بدتری دارید». برگردان «انتم شرّ مکاناً» به «شما جایگاه بدتری دارید»، مفهوم نادرستی را در ذهن خواننده ایجاد می‌کند. صفت‌های تفضیلی همیشه دو طرف دارند؛ وقتی گفته می‌شود محمد داناتر از علی است، یعنی علی هم داناست، ولی محمد از او داناتر است. اینجا هم وقتی از قول یوسف گفته می‌شود «شما جایگاه بدتری دارید»، تأیید ضمنی سخن برادران در دزد بودن یوسف است؛ با این تفاوت که یوسف معتقد است جایگاه برادرانش بدتر از جایگاه اوست؛ در حالی که آیه هرگز چنین چیزی را نمی‌گوید، بلکه مراد آیه این است: «شما بدترین جایگاه را دارید و خدا هم بهتر می‌داند که چه می‌گویید»؛ پس صلاحیت ندارد درباره دیگران اظهار نظر کنید و به آنان تهمت دزدی بزنید.

است «شما بدترین مردمان هستید»، «شما در منزلت بدترین مردمان هستید» و مشابه آن ترجمه شود.

د) «وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَارُنَا» (حجر: ۱۴-۱۵) این‌گونه برگردان شده است: «و اگر دری از آسمان بر آنان می‌گشودیم که همواره از آن بالا می‌رفتند قطعاً گویند: جز این نیست که چشم‌بندی شده‌ایم». چنان‌که مشاهده می‌شود ناسازگاری زمان فعل شرط با جواب آن در عبارت «بر آنان می‌گشودیم... قطعاً گویند» به خوبی مشهود است که نه از نظر دستوری درست است، نه در عرف عموم به کار می‌رود و نه با شیوه همیشگی مترجم در برگردان این قبیل فعل‌های شرط تناسب دارد. مترجمان در برگردان این آیه دو دسته شده‌اند؛ بیش از نیمی از آنان فعل شرط و جواب شرط را به صورت آینده برگردان کرده‌اند و «دری از آسمان بر آنان بگشاییم... گویند» و مانند آن آورده‌اند. دسته دوم از جمله جناب انصاری «می‌گشودیم... گویند» آورده است. در اینکه کدام یک از دو وجه یادشده درست است یا ترجیح دارد، در جای دیگری باید بررسی شود. اما آنچه نباید فراموش کرد این است که هر یک از دو تفسیر فوق پذیرفته شود، فعل شرط و جواب شرط از نظر زمانی باید همخوان باشند؛ چنانچه ایشان «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (اعراف: ۹۶) را «و اگر اهل [آن] شهرها ایمان می‌آوردند و پروا می‌داشتند، قطعاً از آسمان و زمین [در] برکت‌هایی را بر آنان می‌گشودیم» ترجمه کرده است.

ه) «وَلَا تَحْزُون فِي صَيْفِي» (هود: ۷۸) «و در [بارۀ] مهمانانم مرا رسوا نکنید» ترجمه شده است که به نظر نمی‌رسد معنای روشنی به خواننده منتقل کند. این آیه که در داستان لوط آمده، از زبان آن حضرت در خطاب به قومش است که از آنان می‌خواهد با درخواست نادرست‌شان، وی را در مقابل میهمانانش بی‌آبرو نسازند. چنانچه برخی مترجمان به درستی «در برابر مهمانانم آبروی مرا نریزد» و «مرا در مقابل مهمانانم خوار و کوچک نسازید» برگردان کرده‌اند. اینکه «فی» به «در» معنا شود و «بارۀ» افزوده تفسیری به حساب آید و «در [بارۀ]...» ترجمه گردد - امری که در صدها آیه دیگر هم انجام گرفته است - نه تنها هیچ توجیه زبانی و قرآنی ندارد، بلکه در موارد متعددی به درستی چنین نشده است. افزون بر این، حروف اضافه ده‌ها مرتبه در قرآن به معانی هم به کار رفته‌اند، در اینجا نیز می‌توان برای «فی» معنای «در برابر» ارائه کرد تا ترجمه مفهوم‌تر باشد؛

چنانچه «من الله» در چند آیه قبل در آیه ۶۳/هود به جای «از خدا» که غالباً می آمد، «در برابر [کیفر] خدا» ترجمه شده است و از این نمونه ها بسیار است و بارها در همه ترجمه ها به کار برده اند.

و «يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ» (هود: ۹۸) این گونه ترجمه شده است: «برای قومش در روز قیامت پیشوا می شود، آنگاه [خداوند] آنان را به آتش در خواهد آورد». دو نکته در این برگردان نیازمند تأمل است؛ نخست اینکه «پیشوا می شود» از نظر کلامی چندان مناسب نیست؛ زیرا فرعون در قیامت از خود اختیاری ندارد که بخواهد پیشوا شود. آنچه از مضمون این آیه و آیات مشابه دیگر به دست می آید این است که وی در قیامت پیشاپیش قومش حرکت می کند و در پیشگاه عدل الهی حاضر می شود. شاید بر همین مبنا بسیاری از مترجمان معادل هایی نظیر «پیشاپیش قومش می رود/ می آید/ حرکت می کند» و مانند آن آورده اند تا شبهه اختیاری بودن پیشوایی وی پیش نیاید. نکته دیگری که مترجم در این باره تنهاست و شاید بر مبنای یک فهم و برداشت و بر اساس تفسیری خاص باشد و مترجمان دیگر این گونه برگردان نکرده اند، اینکه فاعل «آوردیم» را خداوند در نظر گرفت و داخل قلاب ذکر کرد؛ در حالی که آنچه از سیاق آیه به ذهن می رسد و برخی تفاسیر هم بر آن صحه می گذارند (المیزان، ج ۱۰، ص ۳۸۱؛ التحرير و التنوير، ج ۱۱، ص ۳۲۴) این است که فاعل «آوردیم» فرعون است و چنانچه در آیه ۴۱/قصص فرمود: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْخُلُونَ إِلَى النَّارِ» در اینجا نیز چنین است و ترجمه درست «پیشاپیش قومش حرکت می کند و آنها را وارد آتش می سازد» است.

نتیجه

برگردان قرآن با دشواری های فراوانی همراه است و مترجم قرآن نمی تواند بدون آگاهی از این دشواری ها و تلاش در راستای برطرف کردن آن، به ترجمه اقدام کند. هرگونه بی توجهی به مشکلات ترجمه یا کم اهمیت دیدن آن، موجب پدید آمدن لغزش های متعددی می شود که راه یافتن آن در حریم قرآن روا نیست. چند نمونه از لغزش های مورد نظر نگارنده در طی این مقاله و مقاله نخست بیان گردید تا اگر درست تشخیص داده شد، مورد توجه قرار گیرد و در صورتی که نادرست بود، با تذکر و یادآوری دیگران برطرف شود و مترجمان آینده با دقتی بیشتر و شناختی عمیق تر به برگردان قرآن اقدام کنند.